

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۳۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ • ۲۶ رجب ۱۴۴۵ • ۷ فوریه ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۵۶:۱۷
اذان صبح فردا ۵:۳۴ • طلوع آفتاب ۶:۵۹

شرق روزنامه

دیالوگ روز

باغ‌های کندلوس - ایرج کریمی - ۱۳۷۴

آبان (خزر معصومی)، چرا فکر کردی تنهایی من مثل به گلیم پاخورده‌ست که توی مطبخ هر خونه‌ای می‌شه پهنش کرد؟ تنهایی من رنگ و بوی دیوار و پنجره و گلیم خونه خودم رو داره.

نمی‌دونم اینا چند می‌ارزه!

ولی تنهایی من مثل تنهایی هرکس دیگه‌ای محترمه.

یادداشت

تهران من! باغبانت چه شد؟



ترانه بلدا

معمار و شهرساز

داشتیم هم‌نوا با خوانندگان جوان تهران به آهنگ‌ها و ترانه‌های جدیدی که واژه تهران در مضمون‌شان بود گوش می‌دادیم. و شگفت‌زده بودیم از این همه عشق و علاقه که در دل این شهر بی‌کران برای تهران و حال و هوایش وجود دارد. من هم در فکر اصطلاحات زیبای استادم محمد بهشتی بودم که از چندین سال پیش بهار شهرنشینی را نوید ظهور می‌داد و از اهلیت و تعلق مردم به شهر محل زندگی‌شان می‌گفت… که ناگهان پستی، رشته پرواز سی‌مرغی‌مان را برید و همه گوش‌هامان تیز، راست سر جابمان نشستیم.

می‌گفت: «واقعاً فلج شده‌ام هر دری را که فکر کنیز زده‌ام هر راهی را رفته‌ام همه‌ش بن‌بست بوده. آمده‌ام شما بفرمایید چه کنیم!؟». صدا صدای لیلا فولادوند، هنرمند پرتوانی بود که همه او را با سربال ارزشمندش با عنوان دست‌های آلوده می‌شناسیم. فیلمی که درباره نابودی و مرگ تدریجی باغ‌های تهران بود و به سفارش تلویزیون خودمان تهیه شده بود. او چنین ادامه می‌داد: «تمامی تلاش‌های ما برای نجات «باغ گیاه‌شناسی ملی» به جایی نرسیده است. لطفا صدای باغ باشید و نگذارید جلوی چشم‌انمان این اثر ارزشمند ملی نابود شود. به کمک و همراهی‌تان سخت نیازمندیم!» در پی ناله‌های دغدغه‌مندانه لیلا، ما هم به خواهش افتادیم و در مقابل ظلمی که دارد به باغ گیاه‌شناسی وارد می‌شود دوباره به فکر چاره‌جویی افتادیم.

ترانه‌های تهران چهره واقعی تهران را به ما نشان می‌دهند. تهرانی پر از درد و شادی، عشق و حسرت… تهرانی پر از تناقض و در زمینه شهرسازی با میزان خودتخریبی و بی‌برنامگی بالا.

در شعر آهنگ رُب می‌شنوی:

چرا همه می‌خوان جیب همو لاغر کنن؟/ دو، چرا شب‌با شهر مرده‌ها میشه؟/ خوابه لای پنجه‌های گریه‌ها می‌ره

یک، بگو آدم‌اش دنبال چیَن؟ / چرا همه پرتن و توی دنیای دیگه‌ن/

تهران مال شهرداریه حرص چرا می‌زنی؟/ فازت چیه چرا تو قصه‌ها می‌پری؟/ ... / مالش نیستی که مال تو باشه/ می‌خوای از دور بپرسی حالشو؟

و طعنه به آنها می‌زند که از اونور آب‌ها فرمایش می‌کنند...

لیلا فولادوند دوباره می‌نویسد: «متأسفانه اون‌قدر سرعت ساخت‌وساز رو بالا بردن که تا بحیثیم دیگه چیزی از باغ نمونده. در عرض سه روز سه طبقه را بالا آوردن… دو هفته پیش معاون اجرایی رئیس‌جمهور جلسه گذاشت و در خواست حل‌وفصل سریع ماجرا ظرف ۱۰ روز رو داشت اما مهلت ۱۰ روز دو هفته شد و نه‌تنها خبری نیست، بلکه با سرعتی عجیب و غریب دارند می‌سازند و نکته عجیب اینه که هم‌زمان دارن به زمین و زمان پیامک میدن بیاید با ازان‌ترین قیمت بخردید».

شهردار سابق خوب و دانای تهران، دکتر حناچی در فیلم دستان آلوده می‌گوید: «تاریخ از این زمان به بدی یاد خواهد کرد». منظورش دوبرای است که ما به دست خودمان تمام باغ‌های شهرمان را نابود کردیم.

به بهانه پخش مستند «دست‌های آلوده» در صحن شورای شهر تهران، طنز ماجرا آنجا بود که آقای شهردار انقلابی گفت باغات شمال شهر را برای قشر کم‌درآمد تخریب می‌کند. آقای شهردار جریان‌ی غیرقانونی و هشداردهنده در تهران را آغاز کرده است. ایشان بدون توجه به ظرفیت‌ها با سوداگری مسکن مشغول تراکم‌فروشی و مجوزدادن است. گزارشی از سوی وزارت مسکن و شهرسازی با عنوان «مروری بر مصوبات کمیسیون ماده ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱» با بعد و رقم این جریان را تشریح کرده و نشان داده تضاد اساسی میان ادعاهای اخیر شهردار درباره مسکن‌سازی برای طبقه کم‌درآمد و چیزی که در عمل در جریان است، وجود دارد.

دوستی نوشت: برای قرن‌ها، تهران تاریخی به‌علت وابستگی به کشاورزی و باغداری همچنان میزبان مهربان گیاهان و جانوران بود تا توسعه مهاجم رسید و تنها در نیم‌قرن اخیر است که تنوع زیستی کلان‌شهری همچون تهران با انواع تنش‌های محیطی همراه شد و امروز باور اینکه در میان سیمان و خاکستر و فاضلاب نیز شهر بتواند زنده بماند، یک حقیقت کشف‌نشده است.

ناله‌های ما به آسمان است. در اراضی بالادست باغ گیاه‌شناسی متأسفانه ساخت‌وساز به طرز وحشتناکی ادامه دارد. یکی از ساختمان‌ها را به طبقه هشتم رسانده‌اند. بعد از این‌همه تلاش جامعه مدنی و مدیران باغ و فعالان محیط‌زیستی و پس از شهادت متخصصان آب و فاضلاب که ساخت برج‌های قبلی هم‌اکنون یک‌سوم از حجم آب ورودی به باغ را کم کرده است، اکنون اگر ساخت‌وساز ادامه یابد ممکن است کل آب باغ با مشکل روبه‌رو شود. سازندگان هیچ اهمیتی به احکام هیچ جلسه و مصوبه‌ای نمی‌دهند. در جلسه هفته گذشته در ریاست جمهوری مصوب کرده بودند در پنج طبقه بمانند ولی در سه روز گذشته دو طبقه بالاتر برده‌اند.

کماکان دو مسیر می‌تواند برای نجات باغ مهم‌تر و سریع‌تر باشد: اول دستور رهبری، و دوم شکستن رای در دادگاه تجدیدنظر دیوان.

همان‌طورکه قبلاً در اوایل آذرماه همین‌جا نوشتم، تمام کسانی که چند سال است دغدغه زنده‌ماندن باغ ملی گیاه‌شناسی را داشته‌اند، همان‌ها‌که در جلسه دوشنبه ۲۹ آبان ستاد سمن‌ها جمع شده بودند تا در دقیقه ۹۰ راهای نجات باغ را برای صمدین بار با هم بازگو کنند، دیگر راهی به فکرشان نمی‌رسد. البته همان روز هم آخر سر راحل به نامه به رهبری و دیوان عدالت اداری ختم شد. در وضعیتی که مسئولان شهرداری و دولت و نهادهای ناظر بر امور شهری و مملکتی و نیز جوامع و انجمن‌های حرفه‌ای و علمی و فنی نمی‌توانند جلوی کارهای ناصالح را بگیرند، تعدادی افراد دلسوز طرفدار میراث محیط‌زیستی این سرزمین خشک و بی‌آب صادی‌شان به کجا خواهد رسید؟ سازندگان منطق از اذهان و از دل‌های ما پاک رخت برسته است و قول‌هایی که از سوی مسئولان بر پایه تصمیماتی نپخته و عجولانه داده شده‌اند، چاره‌ای ندارند جز به اجرا رسیدن؟! قول‌هایی که تحقق‌یافتن آنها بی‌شک منجر به پشیمانی خواهد شد.



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

«این جلسه را ختم می‌کنیم. تاریخ و دستور جلسه آینده بعدا به اطلاع خانم‌ها و آقایان خواهد رسید»؛ هنگامی که جواد سعید روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ در مقام ریاست مجلس این جملات را بیان می‌کرد، نمی‌دانست جلسه دیگری در کار نخواهد بود. ۴۵ سال پیش، آخرین جلسه مجلس شورای ملی در فضایی پرتالپا برگزار شد. خلاصه رخدادهای دویست‌ونهمین جلسه دوره ۲۴ مجلس شورای ملی بر اساس صورت مشروح مذاکرات را که در «روزنامه رسمی» منتشر شده است، مرور می‌کنیم.

اول. قرائت اسامی غایبان جلسه قبل: در جلسه گذشته ۶۸ غایب به تعبیر رئیس مجلس «با اجازه» و ۱۸ غایب «مریض» از حضور در مجلس خودداری کردند. در بین غیبت‌کنندگان دسته اول، نام‌های «شمس‌الدین ابوالهدی لنگرودی» پزشک و سیاست‌مدار گیلانی، «ایرج پزشک‌پور» حقوق‌دان، دبیرکل حزب پان‌ایرانسم و نماینده خرمشهر و «پری اباصلتی» سردبیر نشریه «اطلاعات بانوان» و نماینده تهران دیده می‌شود.

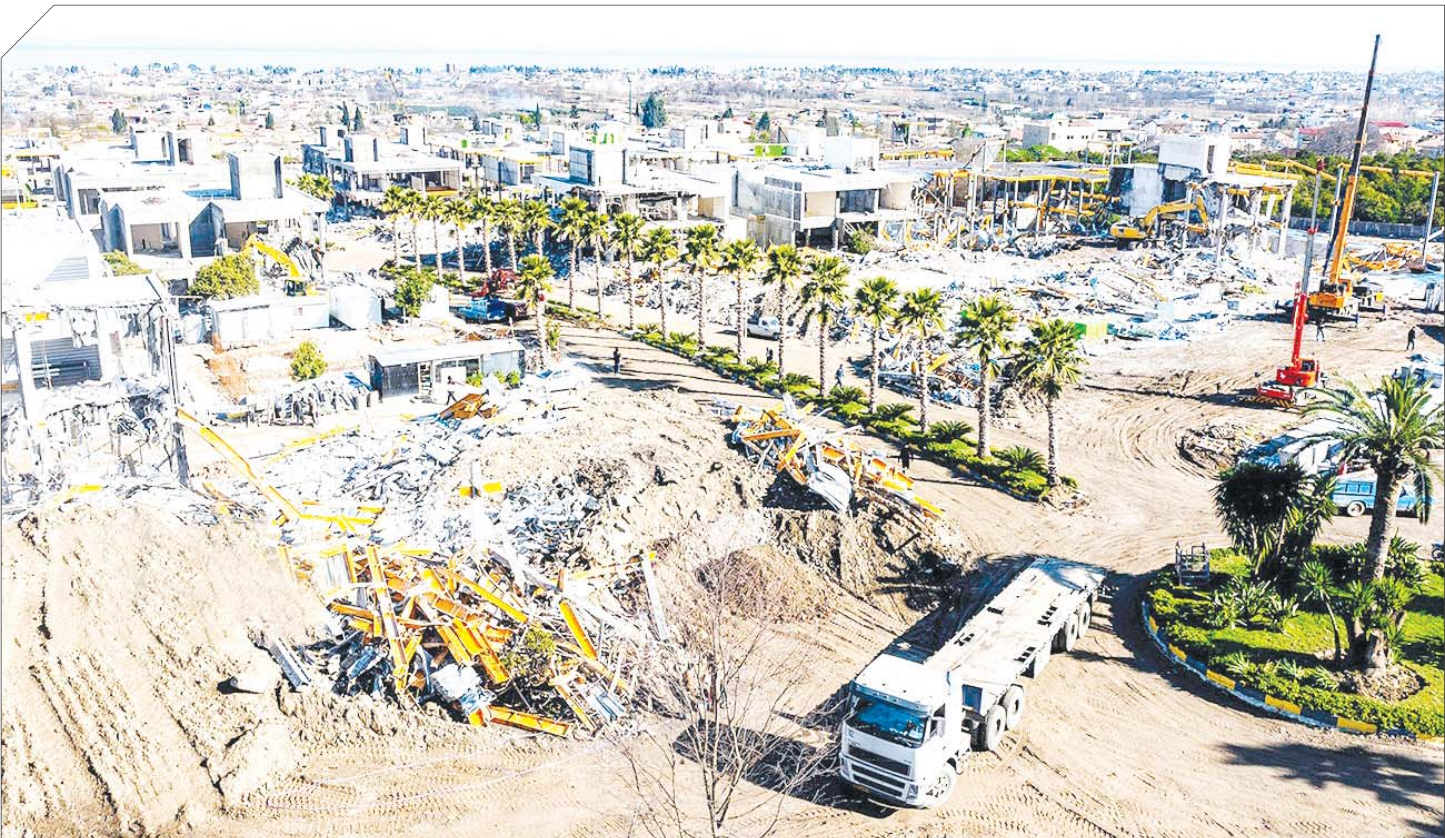
دوم. سخنان رئیس مجلس: دکتر جواد سعید، نماینده ساری و بیست‌ویکمین رئیس مجلس شورای ملی، در همان ابتدای جلسه از نمایندگان می‌خواهد به دلیل دستور جلسه فشرده از نطق‌های پیش از دستور صرف‌نظر کنند. او در اظهاراتی مسالمت‌جویانه بیان می‌کند: «ضمناً خواستم بازگشت حضرت آیت‌الله العظمی خمینی مرجع عالی‌قدر تشیع را به خاک وطن از طرف خود و عموم نمایندگان خوشامد گفته از درگاه قادر متعال مسئلت می‌نمایم که تشریف‌فرمایی ایشان برای ملت و مملکت توأم با صلح و صفا باشد. ما عمیقاً معتقد هستیم که باید از طریق مذاکرات و به‌طور مسالمت‌آمیز مملکت از این بن‌بست خارج شود تا خدای ناکرده از هرگونه درگیری و برخورد که مالا برای ملت و مملکت نتایج بسیار اسف‌آوری خواهد داشت، جلوگیری شود. از خداوند بزرگ مسئلت داریم که ملت و مملکت ما را در کنف و حمایت خود از هرگونه گزندی محفوظ و مصون بدارد».

سوم. معرفی کورس سرهنگ‌زاده به‌عنوان معاون پارلمانی: لطفعلی صمیمی، وزیر پست و تلگراف و تلفن، «کورس سرهنگ‌زاده» را که امروزه بین مردم به‌عنوان خواننده و با ترانه «دیگه عاشق‌شدن فایده نداره» شهرت دارد، به‌عنوان معاون پارلمانی معرفی می‌کند: «آقای سرهنگ‌زاده که مهندس الکترونیک بوده و از همکاران اداری ما در ۳۰ سال گذشته بوده‌اند و به‌طوری که اطلاع دارید مدتی هم در سنگر نمایندگی مجلس در جهت انجام منویات عالییه ملت انجام وظیفه کرده‌اند، استدعا کردم که فعلاً مجدداً به سنگر اصلی‌شان در وزارت پست و تلگراف برگردند. بنابراین ایشان را به سمت معاون پارلمانی وزارت پست و تلگراف معرفی می‌نماید».

چهارم. تصویب لایحه «نحوه تعقیب نخست‌وزیران و وزیران و طرز تشکیل

هیئت منصفه»؛ دولت در چهارم بهمن ۱۳۵۷ لایحه‌ای با عنوان «نحوه تعقیب نخست‌وزیران و وزیران و طرز تشکیل هیئت منصفه» با قید یک فوریت تقدیم مجلس می‌کند که در جلسه ۱۷ بهمن به تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسیده و برای نهایی‌شدن به مجلس سنا ارسال می‌شود. متن پیشنهادی به صورت ماده‌واحد و چهار تبصره است. در ماده‌واحد می‌خوانیم: «نظر به اینکه سیاست اداری و اعمال و رفتار دولت‌هایی که از سال ۱۳۴۲ مصدر کار بوده‌اند موجبات عدم رضایت و عصیان ملت ایران را فراهم نموده، به نحوی که افکار عمومی خواهان تعقیب و مجازات سریع متجاوزین به حقوق ملی است، اجازه داده می‌شود که جرائم و تقصیرات نخست‌وزیران و وزیران مذکور به وسیله دادستان دیوان عالی کشور در دیوان مزبور عنوان شود و با حضور هیئت منصفین طبق مقررات و قوانین کیفری مورد تعقیب و رسیدگی قرار گیرد». تبصره‌های یکم تا سوم به موضوع چگونگی ترکیب و تشکیل هیئت منصفه اختصاص دارد که عبارت‌اند از: شش نفر از روحانیون به انتخاب و معرفی آیات عظام، چهار نفر از استادان دانشگاه‌های کشور به معرفی هیئت علمی دانشگاه تهران، چهار نفر از وکلای دادگستری به معرفی کانون وکلای مرکز، چهار نفر از نویسندگان و خبرنگاران به معرفی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران، چهار نفر از پزشکان و داروسازان کشور به معرفی نظام پزشکی، چهار نفر از معلمان کشور به انتخاب و معرفی شورای عالی آموزش و پرورش، دو نفر از سردفتران به معرفی کانون سردفتران، چهار نفر از بازرگانان و اصناف به معرفی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، دو نفر از کارمندان بازنشسته کشور به معرفی کانون بازنشستگان، چهار نفر از کشاورزان به انتخاب اتاق کشاورزی، شش نفر از کارگران استان‌های خوزستان، فارس، خراسان و اصفهان هریک یک نفر و تهران دو نفر به انتخاب انجمن شهر مرکز استان و در نهایت دو نفر از مهندسین به معرفی کانون مهندسین ایران. تعداد، تخصص و تنوع این هیئت منصفه پیشنهادی بسیار درخور توجه است و برای رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دوران حاضر می‌تواند آموزنده باشد. تبصره چهارم به دادرسی شرکا و معاونان این افراد اختصاص دارد: «به اتهامات شرکا و معاونین متهم به مشارکت و معاونت در اتهام مربوط به این قانون، جداگانه در دیوان جتایی تهران طبق مقررات محاکم جتایی رسیدگی می‌شود و دادستان شهرستان تهران مکلف است در اسرع وقت آنها را تحت تعقیب کیفری قرار دهد و اموال و دارایی آنها را ولو اینکه به نام همسر و فرزندان تحت ولایتشان منتقل نموده باشد، بازداشت نماید تا در صورت محکومیت محکوم‌به از اموال مزبور وصول شود. هرگونه نقل و انتقال اموال که از ناحیه متهمین مذکور از تاریخ تقدیم این لایحه به عمل آید باطل و بلاثر می‌باشد».

پنجم. تصویب لایحه «انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور»؛ دولت شاهپور بختیار در چهارم بهمن لایحه دیگری با نام «انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور» به مجلس ارائه می‌کند. این لایحه هم در قالب ماده‌واحد و با پنج تبصره است. متن ماده: «از تاریخ تصویب این قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور که به موجب قانون مصوب اسفندماه ۱۳۳۵ و قانون اصلاحی آن مصوب دی‌ماه ۱۳۳۷ تشکیل گردیده، منحل و قوانین مذکور ملغی می‌شود». در تبصره دوم پیش‌بینی شده «به جرائم ارتکابی کارمندان سازمان مذکور موضوع ماده ۴ قانون مصوب اسفندماه ۱۳۳۵ در مراجع قضائی دادگستری رسیدگی می‌شود. پرونده‌هایی که قبلاً در این موارد در دادگاه‌های نظامی تشکیل شده، در هر مرحله از رسیدگی که باشد، با صدور قرار عدم صلاحیت به مراجع دادگستری ارسال می‌گردد». همچنین بر مبنای تبصره دوم، دولت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون، لایحه‌ای در مورد تأسیس و



• عملیات تخریب ۶۴ ویلای غیرمجاز در شهرستان نوشهر که از ۷ بهمن ماه آغاز شده است، ادامه دارد و مالک این واحدها متعهد به بازگرداندن اراضی به وضع سابق و کاشت درخت شده است، این ویلاها در زمین‌های عکس: ولی شجاعی، میزان

۴۵ سال پیش در همین روزها

در آخرین جلسه مجلس شورای ملی چه گذشت؟

تشکیل مرکز اطلاعات ملی که در خدمت استقلال و حفظ امنیت داخلی و خارجی کشور باشد، تهیه و برای تصویب به مجلس تقدیم کند. در ادامه وظایف سازمان اطلاعات و امنیت کشور تا تشکیل مرکز اطلاعات ملی به تشخیص نخست‌وزیر به سایر مراجع مملکتی محول می‌شود. از نکات بسیار مهم، اعلام اسامی موافقان و مخالفان لایحه پس از رأی‌گیری از تریبون مجلس شورای ملی (با پخش زنده از رادیو) و درج آن در روزنامه رسمی کشور است. همان موضوع «شفافیت آرا» که در روزگار کنونی و پس از سال‌ها فرایند تصویب آن به سرانجامی نرسیده است.

ششم. سخنان نخست‌وزیر (شاهپور بختیار) درباره مسائل روز مملکت: بخشی از اظهارات بختیار در آن روز پرکار مجلس از این قرار است: «بنده نهایت تشکر را از آقایان و خانم‌ها که زحمت کشیدند و با وجود موانعی که هر روز در پیش پایشان می‌گذارند، دارم که به مجلس تشریف آورید و به این دو لایحه‌ای که در رأس برنامه فوری دولت بود رای موافق دادید. صمیمانه تشکر می‌کنم. این عمل را به تمام ملت ایران، به نمایندگان ملت و به دولت که پیش‌قدم شد و این دو لایحه مهم را آورد، تبریک عرض می‌کنم… مقصود من وقتی که گفتیم ما رو به دموکراسی می‌رویم، این بود که این دموکراسی باید توأم با آزادی همه باشد، نه با آزار یک عده و خودکامگی عده‌ای دیگر. وقتی ما صحبت از قانون اساسی می‌کنیم، صحبت از اجرای دقیق قانون اساسی می‌کنیم… می‌خواهم حضورتان عرض کنم که به منظور حفظ وحدت مملکت و با تمام آنچه که شنیدیم و دیدیم، در مذاکرات به روی تمام افراد و دسته‌جاتی که همین افکار آزاده را داشته باشند، باز خواهد ماند…».

هفتم: اعلام استرداد استعفای یک نماینده و استعفای چند نماینده دیگر؛ ابتدا اعلام می‌شود که حسن‌علی سلیمانی (نماینده میانه) استعفای خود را پس می‌گیرد و سپس استعفای محمدعلی ادیب‌مجلسی (نماینده تهران)، علی‌احمد خورشید (نماینده نیشابور) و محمد شهرستانی (نماینده مشهد) از تریبون مجلس قرائت و استعفای سیدحسن صحرانی (نماینده تهران) که از طریق تلگراف ارسال شده، اعلام وصول می‌شود. متن استعفای نماینده نیشابور از این قرار است: «نظر به اینکه اوضاع و احوال و شرایط فعلی به‌ویژه رویدادهای اخیر به‌گونه‌ای است انجام وظیفه را به‌عنوان نماینده ملت مشگل و متاثر نموده و احساس می‌کنم که ادامه خدمتگزاری در چنین شرایطی تحت هیچ عنوان مورد تمایل و حمایت مردم عزیز حوزه انتخابیه‌ام نمی‌باشد، به این وسیله استغای خود را از نمایندگی مجلس شورای ملی تقدیم می‌نمایم».

تا انتهای این جلسه، طر‌ها و لوايح دیگری نیز در زمینه متمم بودجه سال ۱۳۵۷ کل کشور، اصلاح قانون تأمین اعتبارات عمومی و عمرانی، قانون مالیات‌های مستقیم و مواردی مربوط به اختصاص در دستور جلسه قرار گرفته که بیان جزئیات نیازمند یادداشت دیگری است. آنچه بیان شد تنها بخشی از تاریخچه حضور در ایران است. اهمیت خواندن تاریخ تا حدی است که «جان کلی»، حقوق‌دان ایرلندی، در مقدمه کتاب خود با نام «تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب» بیان می‌کند: «جای تأسف است، من مورخ نیستم و امروز تأسف می‌خورم که چرا سعی نکردم در سال‌های دانشجویی با مطالعات شخصی، یک مورخ بشوم». در پایان فرصت را غنیمت شمرده و نکته‌ای به‌عنوان نگارنده یادداشت با دوستان دیگر رسانه‌ها که مطالب روزنامه «شرق» را سایر رسانه‌ها با نقل می‌کنند طرح می‌کنم؛ اگر مطلبی را بازنشر می‌کنید، علاوه بر نام رسانه، نام نویسنده یا مترجم را هم بر اساس وظیفه اخلاقی و سپس وظیفه قانونی بیاورید و آن را حذف نکنید.

صنف

لزوم شفاف‌سازی وضعیت تحریریه «فردای اقتصاد»

خبرهای مرتبط با حضور نیروهای انتظامی با امنیتی در رسانه «فردای اقتصاد» و همچنین بازداشت مهدی افشارنیک، روزنامه‌نگار، نیمه‌شب دوشنبه منتشر شد و کانال انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در این باره نوشت: «دوشنبه‌شب ۱۶ بهمن‌ماه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران از طریق یکی از همکاران باخبر شد که مأموران یکی از نهادهای انتظامی با امنیتی با حضور در ساختمان محل استقرار تحریریه «فردای اقتصاد»، با جمع‌آوری گوشی‌های تلفن همراه اعضای تحریریه از ورود و خروج آنها جلوگیری کرده‌اند. با طولانی‌شدن زمان حضور مأموران در دفتر فردای اقتصاد و بی‌اطلاعی اعضای خانواده خبرنگاران از وضعیت آنها یکی از اعضای هیئت‌مدیره بامداد سه‌شنبه در مقابل ساختمان فردای اقتصاد حاضر شد و گزارش داد که شماری از همکاران این رسانه به مرور از ساختمان بیرون آمده‌اند». همچنین در بخش دیگر گزارش انجمن صنفی آمده است: «دلیل این اقدام ضابط قضائی بر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران پوشیده است و پرس‌وجو برای کسب اطلاع از دلیل این اقدام هم نتیجه‌ای نداشته است. از مقام صادرکننده حکم ورود و ضابط قضائی انتظار می‌رود برای رفع ابهامات فراوان و نگرانی خانواده و همکاران صنف در زودترین زمان ممکن درباره این اقدام و دلایل آن به صورت شفاف توضیح دهد». خبرنگارانی که توانستند از ساختمان خارج بشوند مجبور شده‌اند موبایل و وسایل الکترونیك خود را تحویل دهند. در این باره خبرگزاری میزان نوشت: «بازداشت یک خبرنگار سابق و بازرسی از دفتر یک سایت خبری با دلایل کاملاً مغایر با فعالیت خبرنگاری و رسانه‌ای صورت گرفته است. در پرونده مفتوح قضائی تشکیل‌شده با این موضوع، هیچ اتهام رسانه‌ای و خبری نیز وجود ندارد و اتهامات در حوزه دیگری در حال بررسی است». در حال حاضر شماری دیگر از خبرنگاران این رسانه هنوز مجوز خروج از ساختمان محل کار خود را ندارند. علاوه بر این، «علی میرزاخانی»، سردبیر فردای اقتصاد و بهزاد بهمن‌زاد، قائم‌مقام سردبیر، همچنان اجازه خروج از ساختمان محل کار خود را ندارند. فعالیت رسانه فردای اقتصاد فعلاً تعطیل شده است.